گزارش خبری تحلیلی کیهان

تنگه هرمز قابل معامله نیست برای آمریکا معبر باز نکنید

سرویس سیاسی -

تنگه هرمز، گلوگاه حیاتی اقتصاد جهان است. آمریکا می‌داند بستن این تنگه، یعنی قطع تنفس اقتصادی غرب. مسئولان نباید از هیچ گلوگاهی عقب‌نشینی کنند. ایران اهرم‌هـای قدرتمندی در دست دارد؛ تنگه هرمز که جریان انرژی جهانی را با آن باید کنترل کرد. تنگه باب‌المندب که دیگر اهرم کنترل مسیرهای دریایی و انرژی است. کابل‌های اینترنت خلیج‌فارس که جریان اطلاعات را انتقال می‌دهد و در اختیار ما است.

رسانه‌های غربی و از جمله خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از ۲ مقام منطقه‌ای ادعا کردند که مذاکره‌کنندگان ایرانی و عمانی پیش‌نویس توافق برای بازگشایی تنگه هرمز را نهائی کرده و منتظر تأیید نهائی مقامات ارشد ایران هستند.

همچنین اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه عصر دیروز گفت: «مختصات جغرافیایی مسیر مد نظر ایران و عمان، مورد تفاهم قرار گرفته است». انتشار این اخبار در حالی است که تنگه هرمز قابل معامله نیست. هر چند مقامات کشور تاکید دارند که در موضوع تنگه هرمز فقط با طرف عمانی در حال مذاکره هستند، اما این در حالی است که طرف عمانی به نیابت از آمریکا در این مذاکرات حضور دارد و منافع آمریکا را دنبال می‌کند.

آمریکا از هزینه‌های بستن تنگه هرمز درمانده است. آن‌ها می‌خواهند با پایین آوردن قیمت نفت، بازارها را کنترل کنند و ذخایر خود را جبران کنند، برای اسرائیل هم زمان بخرند و در مجموع راه فرار پیدا کنند.

رهبر معظم انقلاب ۲۷ تیر ۱۴۰۵در پیامی به مناسبت حماسه عظیم بدرقه آقای شهید ایران و تبیین مسائل مهم کشور خاطر نشان کردند: «نقض عهدهای مکرّر شیطان بزرگ نسبت به تفاهم‌نامه امضا شده بین رئیس‌جمهوران ایران و آمریکا بار دیگر این حقیقت را به همگان ثابت کرد که امضای رئیس‌جمهور آمریکا چقدر بی‌ارزش و نامعتبر است و زورگوئی، تمامیّت‌خواهی و وحشی‌گری، اجزاء لاینفک مرام و مسلک آمریکایی می‌باشد. امروز شیطان بزرگ بار دیگر چهره‌ی واقعی و بدون نقاب خود را آشکار کرده تا این تجربه تاریک از جنایت و بدعهدی، سند محکم دیگری بر دروغگویی، غیرمنطقی و غیر قابل اعتماد و پلید بودن آمریکا باشد».

تنگه هرمز، گلوگاه حیاتی اقتصاد جهان است. آمریکا می‌داند بستن این تنگه، یعنی قطع تنفس اقتصادی غرب. ترامپ خود اعتراف کرده که جنگ با ایران باعث رکود جهانی می‌شود و ذخایر نفت جهان را به خطر می‌اندازد. به مسئولان تأکید می‌کنیم که نباید گلوی دشمن را رها کرد.

وقتی ترامپ می‌گوید اگر با ایران توافق نمی‌کردیم، ذخایر نفت ما ۴ هفته دیگر تمام می‌شد یا در مصاحبه با آکسیوس می‌گوید طولانی کردن جنگ با ایران باعث رکود جهانی می‌شد، چرا مسئولان مربوطه در تفاهم‌نامه موسوم به اسلام آباد، تعهد به بازگشایی تنگه هرمز دادند؟ در جریان تفاهم‌نامه اسلام‌آباد می‌گفتند اعتماد به دشمن نداریم و تفاهم بر اساس تعهد در برابر تعهد است اما دشمن تعهد خود را زیرپا گذاشت. بر همین اساس مسئولان بدانند تنگه هرمز کارت معامله‌ای نیست و نباید برای آمریکا معبر باز کرد.

مسئولان نباید از هیچ گلوگاهی عقب‌نشینی کنند. ایران اهرم‌های قدرتمندی در دست دارد؛ تنگه هرمز که جریان انرژی جهانی را با آن باید کنترل کرد. تنگه باب‌المندب که دیگر اهرم کنترل مسیرهای دریایی و انرژی است. کابل‌های اینترنت خلیج‌فارس که جریان اطلاعات را انتقال می‌دهد و در اختیار ما است. اینها ابزارهای بازدارندگی ما هستند. نباید در ازای وعده‌های دروغین، این اهرم‌ها را به دشمن هدیه داد یا وعده بازگشایی آن‌ها را در تفاهم‌نامه‌ای بی‌ارزش بدهیم. رهبر معظم انقلاب در بخشی از نخستین پیام خود که ۲۱ اسفند ۱۴۰۴ منتشر شد، تاکید کردند: «همچنان از اهرم مسدود کردن تنگه هرمز باید استفاده شود».

ایشان همچنین در پیام خود به مناسبت چهلمین روز شهادت رهبر عظیم‌الشأن انقلاب که ۲۰ فروردین ۱۴۰۵ منتشر شد، تصریح کردند: «این را همه باید بدانند باذن الله تعالی ما حتماً متجاوزین تبهکاری که کشور ما را مورد حمله قرار دادند را رها نمی‌کنیم. حتماً غرامت تک‌تک صدمات وارد شده و خون‌بهای شهیدان و دیه جانبازان این جنگ را طلب خواهیم کرد و حتماً مدیریت تنگه هرمز را به مرحله جدیدی وارد خواهیم نمود. ما طالب جنگ نبوده و نیستیم ولی به هیچ‌وجه از حقوق حقّه خود دست نمی‌کشیم و در این جهت همه جبهه مقاومت را به‌طور یکپارچه در نظر داریم».

ایران اسلامی با شُکر عملی نعمت اِعمال مدیریت بر تنگه هرمز منطقه خلیج فارس را ایمن خواهد کرد

حضرت آیت‌الله العظمی سید مجتبی خامنه‌ای در پیام خود به مناسبت روز ملی خلیج‌فارس نیز تأکید کردند: «فصل نوین خلیج‌فارس و تنگه هرمز در حال رقم خوردن است... ایران اسلامی با شُکر عملی نعمت اِعمال مدیریت بر تنگه هرمز، منطقه خلیج‌فارس را ایمن خواهد کرد و بساط سوءاستفاده‌های دشمن متخاصم را از این آبراه برخواهد چید. قواعد حقوقی و اِعمال مدیریت جدید تنگه هرمز، آسایش و پیشرفت را به نفع همه ملت‌های منطقه رقم خواهد زد و مواهب اقتصادی آن، دل ملت را شاد خواهد کرد؛ بِاِذنِ الله وَلَو کَرِهَ الکافرون».

ترامپ بارها تهدید کرد که زیرساخت‌های ایران را هدف قرار می‌دهد اما با نقش‌آفرینی جریان انقلاب و امت مبعوث عقب‌نشینی کرد وگرنه در پاسخ به تهدیدات ترامپ پاسخ بسیار قاطع، جامع و فوری از سوی برخی داده نشد. چرا مسئولان اصلی در دولت و مجلس خونخواهی امام شهید را صراحتا اعلام نکردند حتی پس از تصریح رهبر معظم انقلاب به اینکه «عهد می‌بندیم که انتقام خون پاک شما و همه شهیدان این دو جنگ را از قاتلین جنایتکار و بی‌آبرو بگیریم. این انتقام، خواست ملّت ما است و به‌طور حتمی باید صورت بگیرد. این جنایتکاران که فهرستی از صدر تا ذیل‌شان موجود است، آرزوی مرگی آرام و در بستر را با خود به گور خواهند برد». قصاص عاملان و آمران ترور امام شهید، خونخواهی و انتقام ایشان سیاست قطعی نظام است. مسئولان می‌بایست مطابق دستور رهبر معظم انقلاب و خواست و مطالبه ملت مبعوث قصاص، انتقام و خونخواهی امام شهید را محقق کنند. اگر آمریکا تهدید کند به زیرساخت‌های ما آسیب بزند، ایران باید تهدید کند که تمام آنچه دنیای غرب را شکل داده، نابود خواهد شد. اگر آن‌ها زیرساخت‌های ما را بزنند، ما باید به پالایشگاه‌ها و جریان نفت و گاز منطقه حمله کنیم و مسیر عبور انرژی را ببندیم. آمریکا یا از سلطه‌جویی دست می‌کشد و نظم جدید را می‌پذیرد یا فرو می‌پاشد.

یادداشت میهمان

تنها راه، مقاومت در تنگه است!

دکتر محمدحسین محترم

۱-تصویر ۸۵ سال پیش ملت ایران این بود که اگر دشمن به خاک کشورمان حمله می‌کرد، به جای ایستادن در میدان، می‌ایستادند کنار جاده و عبور رژه‌وار دشمن را تماشا می‌کردند و شاه و حاکم وقت هم از مردم بدتر، تماشا نکرده، فرار می‌کرد! اما اکنون دنیا و هر تحلیلگری در دنیا با نگاه به صحنه میدان، به این تحلیل رسیده‌اند که ملت ایران پس از ۱۵۰ روز مقاومت، به فرمایش آقای شهیدشان کار را تمام کرده‌اند و به پیروزی قطعی استراتژیک رسیده‌اند. حال در این فاصله زمانی، به‌خصوص در حدود ۵۰ سال گذشته چه بر ملت ایران گذشته که از حاشیه‌نشینی در قرن بیستم، به تعیین‌کنندگی در قرن بیست و یکم رسیده و چه کرده است که اگر زمانی رئیس‌جمهور آمریکا تلاش می‌کرد با پروپاگاندا ایران را محور شرارت القا کند، اما حالا دنیا رئیس‌جمهور خبیث آمریکا را «خالص‌ترین تجسم شیطان»، و ایران را «محور ایستادگی در مقابل محور شرارت» توصیف می‌کند؟! این نتیجه منظومه ثابت و لایتغیر «امامت و مقاومت» قائد شهیدی است که حوادث روزگار نتوانست آن منظومه را از مسجد کرامت تا حسینیه امام خمینی دچار تطاول و تعدیل و تاخیر و انحراف کند و توانست ملت ایران را بدون توجه به حواشی و تهدیدات از میان ده‌ها تهدید و توطئه و جنگ عبور دهد و در نهایت با نثار خون پاکش به رشد و بالندگی برساند تا امروز استوارتر از هر زمان دیگری بایستند!

۲- جنگ آمریکا علیه ایران یک فرامتن، و یک متن و یک پسامتن دارد. فرامتن این جنگ این است که اولاً ترامپ به دنبال یک بازی پوکر براساس توهمات هالیوودی و رسیدن سه روزه به اهداف خود بود و تلاش داشت ایران را وارد بازی قمار خود کند، اما ایران ترامپ را در زمین بازی شطرنج خودش به بازی گرفت و با درک درست، بازی او را مدیریت می‌کند و این سخن شهید سلیمانی را به واقعیت تبدیل کرد که «اگر جنگ را تو آغاز کنی، پایانش را ما تعیین می‌کنیم»! لذا ترامپ بدون یک استراتژی در چرخه معیوب خطاهای محاسباتی خود دست و پا می‌زند و با هر حرکت و تغییر مهره‌ای، کیش و مات و متوقف و در چرخه تحقیرآمیز شکست‌ها گرفتارتر می‌شود. ثانیا پیروزی راهبردی ایران این است که به دنیا نشان داد که قدرت نظامی حتی با داشتن بمب هسته‌ای به معنای موفقیت و پیروزی راهبردی نیست. در نتیجه نقطه کانونی فرامتن این جنگ این است که اگرچه آمریکا از نظر نظامی برتر است اما نتوانست اراده سیاسی خود را بر ملت ایران تحمیل کند، تا جایی که خود ترامپ مستاصل مجبور شد به این امر و به خطای محاسباتی خود اذعان کند که مقاوم بودن مردم ایران علت ناکامی‌های مکرر او برای وادار کردن ایران به عقب‌نشینی و تسلیم است؛ و این رمز تهدیدات مکرر ترامپ و عقب‌نشینی او از تهدیدات خود است. نکته مهم‌تر این است که آمریکا با ابرقدرتی‌اش از ادعای نابودی و غارت نفت و به عصر حجر بردن و تسلیم کردن ایران در طی سه روز، به اعتراف به ناتوانی نظامی خود پس از پنج ماه رسیده است و تنها امیدش تلاش برای افزایش هزینه سیاست‌های ایران است. تحلیل این اذعان و ادعای روبیو وزیرخارجه آمریکا که می‌گوید «تغییر رژیم رخ نداده، تنها راه، بالا بردن هزینه سیاست‌های ایران است» این است که اگر ایران در یک جنگ کاملا نابرابر نظامی توانسته هزینه‌های سیاست آمریکا را افزایش دهد و از تحقق اهداف واشنگتن در منطقه جلوگیری کند، یک پیروزی استراتژیک را کسب کرده است، اما اگر آمریکا با برتری نظامی‌اش پس از پنج ماه جنگیدن، هدفش را به افزایش هزینه‌های سیاست ایران تنزل و تقلیل داده، این یک شکست راهبردی برای واشنگتن خواهد بود.

۳- اما متن جنگ به اذعان گاردین می‌گوید با توجه به گسترش درگیری‌ها در سراسر خاورمیانه از عربستان و عراق و یمن تا اردن و مصر، و حتی کشتی‌های روسی و هندی؛ جنگ علیه ایران از کنترل ترامپ خارج و پنتاگون پس از ماه‌ها درگیری با واقعیتی فزاینده روبه‌رو شده و در حال بررسی این موضوع است که آیا می‌توانند به روند فعلی حملات تلافی‌جویانه ادامه دهند یا خیر! از سوی دیگر توانایی‌ها و خلق ظرفیت‌های جدید و ابزارهای ایران و شکست‌های پی‌درپی آمریکا موجب شده است که میدان اذعان کند که ایران ابتکار عمل را هم در خنثی‌سازی سناریوهای دشمن و هم در پاسخ به تجاوزات در دست دارد. این حقیقت را اعتراف فرمانده سنتکام به ناتوانی آمریکا در بازگشایی تنگه هرمز و دستور برد کوپر برای جمع‌آوری گوشی‌های همراه نظامیان آمریکایی در جهت جلوگیری از انتشار میزان اثربخشی حملات ایران به پایگاه‌های آمریکا و اعتراف ناخواسته سخنگوی سنتکام به ضعف سیستم دفاعی آمریکا در مقابل حملات مرگبار ایران به اردن، و رسانه‌ای شدن کشته شدن بیش از ۲۰۰ آمریکایی در حملات اخیر ایران و انهدام ده‌ها جنگنده و بالگرد و پهپاد از جمله شش جنگنده اف ۳۵ در اردن و اذعان گاردین و نیویورک تایمز به «تحول واقعی» در توان موشکی ایران به خوبی تایید می‌کند؛ که موجب ناامیدی و نگرانی ترامپ از وضعیت صحنه جنگ و افزایش فشار دنیا بر او شده است. لذا آمریکا پس از ۱۵۰ روز ناتوانی از تحقق اهدافش و باز کردن تنگه‌ای که قبل از جنگ باز بوده، اکنون به سیاست انتقام‌جویی از ملت ایران روی آورده است.

۴- درک واقعیت پسامتن این جنگ مهم‌ترین نکته فهم پیروز میدان است که ری دالیو میلیاردر و نابغه مالی جهان و بنیانگذار مجله فوربس می‌گوید«نبرد بر سر تنگه هرمز آینده آمریکا را تعیین می‌کند و اگر کنترل تنگه در اختیار ایران باقی بماند، این امر نقطه آغازی برای تغییر نظم جهانی با افول امپراتوری آمریکا خواهد بود.» اکثر تحلیلگران هم می‌گویند که ایران از حالا به بعد دیگر صرفاً برای پاسخ به حملات آمریکا نمی‌جنگد بلکه در حال طراحی ترتیبات جدید امنیتی خلیج‌فارس و تغییر موازنه قدرت در سراسر غرب آسیا با در دست داشتن تنگه هرمز است. در نتیجه ایران هر تشدید تنشی را از طریق بازارهای انرژی و مالی، از سنگاپور تا لندن، و از فرانکفورت تا نیویورک پاسخ و بازتاب می‌دهد. گزارش‌های معتبر و متعدد نظامی و سیاسی و اقتصادی منتشر شده، نشان می‌دهد بر خلاف پروپاگاندای موجود، دنیا نمی‌تواند تنگه هرمز را دور بزند، حتی با خطوط لوله و طرح‌های ۲۰۰ میلیارد دلاری! در گزارش‌های اداره اطلاعات انرژی آمریکا و آژانس بین‌المللی انرژی یک اصل ثابت است که «برای برخی از گلوگاه‌ها از جمله تنگه هرمز هیچ جایگزین عملی و کاربردی وجود ندارد.» وال‌استریت ژورنال و نشریه اماراتی گلف نیوز و الجزیره رسانه قطری نیز همزمان با تصاعد تنش‌ها در خلیج‌فارس تاکید کردند «علی‌رغم تلاش عربستان و امارات؛ بیش از ۷۰ درصد نفت کشورهای حاشیهٔ خلیج‌فارس راهی برای دور زدن تنگه هرمز ندارد و بسته شدن تنگهٔ باب‌المندب به روی کشتی‌های عربستان مسیر جایگزین برای دور زدن تنگه هرمز در دریای سرخ را نیز عملا با تهدید و ناکارآمدی روبه‌رو کرده است.» استدلال غیرممکن بودن دور زدن تنگه هرمز از سوی صاحب‌نظران هم این است که اولاً به جای ۱۰ کشتی نفتکش نیاز به ۱۰۰ هزار کامیون نفتکش با مسیرهای طولانی و مصرف فراوان سوخت برای انتقال ۲۰ میلیون بشکه نفت در روز است که هرگونه راهکار زمینی را به یک عملیات لجستیکی فوق‌العاده سنگین و غیرممکن تبدیل می‌کند، ثانیاً حتی ایده دور زدن تنگه هرمز با مسیرهای خط لوله و یا یک کانال دریایی جدید با حمایت عربستان سعودی با موانع مهندسی بزرگی به دست فراموشی سپرده شده است، ثالثا هر راه جایگزین دیگری نیز می‌تواند مورد حمله قرار گیرد و به نقاط آسیب‌پذیر تبدیل شود، رابعاً اسکورت نظامی نفتکش‌ها توسط آمریکا چه در دهه ۶۰، و چه اکنون ناکارآمدی و ناتوانی خود را بیش از پیش نشان داده است. خامساً برخلاف برخی ساده‌اندیشان نفت ۱۵۰ تا ۲۵۰ دلاری ابزار آینده ایران است و برخلاف ادعای کاهش ذخائر موشکی آمریکا، ارزیابی اطلاعاتی آمریکا و گزارش‌های رژیم اسرائیل نشان می‌دهد این ادعا هرچند واقعیت دارد اما فقط یک بهانه است و مشکل اصلی ترامپ نگرانی از تحت تاثیر قرار گرفتن اقتصاد آمریکا از فشار ایران بر تنگه هرمز و کاهش ذخایر استراتژیک این کشور است. لذا تنگه هرمز حیاتی‌ترین گلوگاه انرژی جهان است و تمام کشورهای دنیا برای محموله‌های دریایی خود به شدت به این مسیر وابسته‌اند و ادعاهای مراکز و رسانه‌های غربی از جمله گلدن ساکس مبنی بر اینکه چندین خط برای دور زدن تنگه در حال مطالعه و یا ساخت و یا فعال هستند، فقط برای انحراف افکار عمومی از اصل اهمیت تنگه هرمز است. به اذعان تیم مارشال تحلیلگر مشهور ژئوپلیتیک و نویسنده کتاب پرفروش «زندانیان جغرافیا»، «ملت ایران متوجه شده که این جغرافیا از سلاح هسته‌ای برایشان مهم‌تر و مفیدتر است و با استفاده درست از ژئوپلیتیک خود و شکاف ۲۱ مایلی تنگه هرمز توانسته تمام فناوری‌های قرن بیست و یکمی از ماهواره‌ها و رادارها تا ناوهای جنگی و هوش مصنوعیِ بزرگ‌ترین قدرت نظامی جهان را کیش و مات و یا حداقل مهار کند.»

بقیه در صفحه ۷

خبر ویژه

جبهه مدعی اصلاحات: برخورد با مجرمان، اعتماد عمومی را کم می‌کند!

جبهه مدعی اصلاحات با صدور بیانیه‌ای عجیب و متناقض «جنایت» را محکوم و «جانی» را تبرئه کرد و برخورد با آن‌ها را عامل کاهش اعتماد عمومی توصیف کرد.

۱۸ دی ماه ۱۴۰۴، میدان شهید علیخانی در ملک‌شهر اصفهان رنگ خون گرفت و ۴ تن از مامورین حافظ امنیت به دست آشوبگران در اقدامی فراتر از وحشیانه به شهادت رسیدند و پس از آن پیکر مطهرشان به آتش کشیده شد؛ یک سال پس از این واقعه هولناک و تلخ دو تن از عاملین این حادثه پس از طی کردن مراحل قضائی، مجازات شده و به سزای عمل خود رسیدند.

درپی مجازات عاملین این جنایت، جبهه مدعی اصلاحات با صدور بیانیه‌ای اجرای احکام قضائی را به کاهش «اعتماد عمومی» و آب‌رفت «سرمایه اجتماعی» پیوند زده و نوشت: «امنیت، صرفاً با برخوردهای کیفری و قضائی تأمین نمی‌شود».

مدعیان اصلاحات با صدور این بیانیه «خشونت را محکوم و بر حق مجازات خانواده قربانیان تاکید کردند» اما در اقدامی متناقض، پس از اجرای عدالت و اعدام قاتلین ۴ مامور، علیه احکام قضائی در همین بیانیه موضع گرفته‌اند. به عبارتی دیگر جبهه اصلاحات خشونت را نفی می‌کند و خشن را تبرئه.

در ادامه بیانیه، این طیف سیاسی چشم روی جرم و مجرم و سوءتدبیرها و سوءمدیریت‌هایی که دشمن روی آن موج سواری کرد، بسته و حاکمیت را مقصر معرفی کرد و نوشت: «حاکمیت در قبال رخدادهایی که به از دست رفتن جان شهروندان و خدشه‌دار شدن امنیت عمومی انجامیده است، مسئولیتی انکارناپذیر دارد».

شگرد جدید مدعیان اصلاحات برای «نقدکردن چک تسلیم»!

فعال مدعی اصلاح‌طلبی بار دیگر به بازسازی گزاره‌های تکراری و شکست‌خورده جریان سازش پرداخت.

«حشمت.ف» نماینده سابق مجلس که بارها با اظهاراتی مغایر با منافع ملی، تشویق رسانه‌های معاند را در پی داشت اخیرا در گفت‌وگو با یکی از روزنامه‌های زنجیره‌ای، به تخریب جریان انقلابی و متهم کردن مدافعان امنیت اقدام کرده است.

وی با وارونه‌نمایی ریشه رویدادهای اخیر، جریان انقلابی را به «عادی‌سازی جنگ» متهم کرده و مدعی شده است: «یک جریان تندرو در ایران نه با حل موضوعات اختلافی بلکه با اصل مذاکره مشکل دارد و لذا می‌بینیم همین که امکان رفع اختلاف ایران و آمریکا بر سر تنگه هرمز جدی می‌شود بلافاصله از ضرورت رسیدن به بمب اتم صحبت می‌کنند... اینها مواضع یا رویدادهای خطرناکی است که جنگ را در کشور عادی می‌کند و اینها قبلا تحریم‌ها را عادی کرده‌اند و دلیلش این است که در این عادی‌سازی جنگ و تحریم سود می‌برند و این ملت است که آسیب می‌بیند.» این ادعای عجیب در حالی مطرح می‌شود که وی تعمداً نقش اصلی آمریکا و رژیم صهیونیستی به‌عنوان عاملان اصلی جنایت و جنگ را نادیده می‌گیرد. وی با چشم‌پوشی از تجارب پرهزینه قبلی، حاکمیت را به بازگشت به توافقات شکننده فراخوانده و می‌گوید: «ایران و آمریکا باید از این فرصت پیش‌آمده برای بازگشت به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد استفاده کنند... اگر دو طرف از این وقفه استفاده کنند و به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد برگردند و در عین حال تندروهای داخل کشورهای خود را کنترل کنند، فرصت خوبی است.»

نکته قابل تأمل اینجاست که وی قبلاً هم مدعی شده بود: «در شرایطی که همه این کشورها در حال آباد شدن هستند، ایران درگیر جنگ‌های بی‌پایان شده است.»

اتهام‌زنی به نیروهای انقلابی تحت عنوان «سود بردن از عادی‌سازی جنگ و تحریم»، سناریوی کهنه‌ای است که جریان سازش هرگاه در میدان تحلیل کم می‌آورد، برای فرار از پاسخگویی به آن متوسل می‌شود. مطرح‌کنندگان این ادعاها تعمداً فراموش کرده‌اند که آن‌چه تا امروز سایه تهدیدات عینی را از سر کشور کم کرده، همین توان بازدارندگی، اقتدار دفاعی و پاسخ‌های قاطع به زیاده‌خواهی‌های دشمن بوده است، نه دل‌بستن به لبخندهای دیپلماتیک یا توافقات روی کاغذ.

برچسب «تندروی» زدن به توان بازدارندگی ملی و توصیه به انفعال در برابر زیاده‌خواهی‌های کاخ سفید، نه نشانه‌ای از عقلانیت، بلکه تکمیل‌کننده پازل فشار دشمن برای گرفتن ابزارهای قدرت از دست ملت ایران است. عقب‌نشینی در برابر دشمنی که صراحتاً به دنبال تضعیف مؤلفه‌های قدرت ایران است، نه یک مانور تاکتیکی، بلکه راهی مواصلاتی برای هدایت کشور به سمت «نرمالیزاسیون» و خلع سلاح تدریجی است.

توصیه یک استاد دانشگاه: «الماس» را به قیمت «چغندر» بفروشیم!

«ما نباید به دنبال درآمدزایی از تنگه هرمز باشیم، باید تنگه را در ازای رفع تحریم معامله کنیم»؛ این عبارات، توصیه‌های یک استاد دانشگاه است که «الماس» را به قیمت «چغندر» معامله می‌کند.

ناصر هادیان با حضور در برنامه «به وقت ایران» گفت: «تنگه هرمز را در ازای رفع تحریم معامله کنیم، زیرا عوارض دریافتی از تنگه حداکثر ۷- ۸ میلیارد دلار است درحالی که تخفیف نفتی ایران به چین نیز همین میزان است که با رفع تحریم، حذف می‌شود»؛ معامله چنین ظرفیتی با «وعده رفع تحریم» نسیه فروشی «اهرم قدرت» است. تنگه هرمز فقط یک مسیر عبور و محلی برای کسب درآمد (دریافت عوارض) نیست؛ بلکه «دست برتر» و «اهرم فشار» است که می‌تواند در مواقع حساس قدرت چانه‌زنی ایران را افزایش دهد و دشمن را وادار به دادن امتیاز کند.

از طرفی، سابقه توافق با کشورهای غربی به ویژه آمریکا و دل‌خوش کردن به وعده‌هایشان «رؤیاپردازی» و «سراب» است؛ رجوع به سنوات گذشته و تجربه‌های پیشین نشان داد که ضمانتی برای وفای به عهد در معامله با آمریکا و اروپا نیست، سازمان‌های بین‌الملل نیز در چنین شرایطی «سکوت» می‌کنند؛ با این حال عده‌ای هنوز منتظر رفع تحریم هستند و تصور می‌کنند که بدون اعمال قدرت و دست پُر، نظام سلطه به خواسته‌هایشان تن می‌دهد.

در ادامه برنامه، این استاد دانشگاه به رقم‌سازی روی آورد؛ او بدون اطلاع از آمار دقیق فروش نفت اظهار داشت: «فروش نفت ایران ۸۰ الی ۱۲۰ میلیارد دلار در سال است»؛ هدف از ارائه این ارقام، نمایش بی‌نیازی ایران به دریافت عوارض بود و کاهش ارزش درآمدزایی تنگه بود؛ درحالی که هدف ایران از کنترل هرمز، حفظ دارایی استراتژیک و دست برتر است.

از طرفی، بر اساس گزارش مؤسسه «S&P Global» رقم تخفیف ایران به یک الی ۲ دلار بر هر بشکه است که مجموع سالانه آن حداکثر ۱.۲ میلیارد دلار می‌رسد و تخفیف ۸ الی ۱۰ میلیارد دلاری صحت ندارد؛ فروش نفت ایران نیز طبق قانون بودجه ۳۵ میلیارد دلار است. هادیان با اعداد و ارقام ساختگی، اهرم قدرت ایران را تا نرخ چغندر پایین کشید و پس از آن با توصیه به اینکه تنگه هرمز را به ازای رفع تحریم معامله کنیم؛ نسیه‌فروشی را پیشنهاد داد.

سیمرغ ظریف چرا در پشت‌بام ترامپ فرود می‌آید؟!

محمدجواد ظریف در جدیدترین یادداشت خود با عنوان «پرواز سیمرغ ایرانی» که در مجله «اندیشکده پایاب» منتشر شده، مدعی گردیده که «امضای یادداشت تفاهم، پنجره‌ای استثنایی را برای دیپلماسی گشوده است»؛ ادعایی که با طرح پیشنهادهایی چون چانه‌زنی بر سر «اهرم تنگه هرمز» و پذیرش «پروتکل الحاقی»، در واقع ارائه سیگنال ضعف و فتح پنجره‌ای برای تنفس مصنوعی به دشمن شکست‌خورده در اوج اقتدار ملت ایران است.

در شرایطی که کوه آمریکا موش زاییده و ماشین جنگی آن زمینگیر شده است، باز هم شاهد صدور نسخه‌های تکراری از سوی از نفس افتاده‌ها هستیم. محمدجواد ظریف در یادداشتی با عنوان «پرواز سیمرغ ایرانی» که در مجله «اندیشکده پایاب» منتشر شده، با ادعای اینکه «امضای یادداشت تفاهم، پنجره‌ای استثنایی را برای دیپلماسی گشوده است»، بار دیگر تلاش کرده با یک درک ارتجاعی از جهان آمریکایی و وضعیت جنگ، راهکاری برای پایان دادن به درگیری با آمریکای از نفس افتاده و رژیم صهیونیستی ارائه دهد. راهکاری که در واقع سیگنال ضعف و درخواست مذاکره در نقطه اوج اقتدار ملت ایران است تا به دشمن شکست‌خورده فرصت تنفس داده و راه فرار را برای او باز کند.

ظریف در این مقاله با طرح راهبرد «توازن فراگیر» خواستار گذار از «نگاه تهدیدمدار» به «نگاه فرصت‌مدار» شده و با خطنشان کشیدن درباره پیامدهای عدم توافق می‌نویسد: «اگر ایران در بازه‌های زمانی تعیین‌شده (به‌ویژه دوره شصت‌روزه پیشنهادی) به توافق نهائی نرسد، بهبود اقتصادی دشوار خواهد بود و احتمال ناآرامی داخلی یا تجاوز مجدد... منتفی نیست».

او در بخش دیگری با هدف عقب‌نشینی از ابزارهای بازدارنده کشور مدعی می‌شود که «بسته ماندن طولانی‌مدت هرمز یا سوءاستفاده کوتاه‌مدت از آن، اجماع جهانی (حتی همراه با چین) علیه ایران خواهد ساخت» و تأکید می‌کند که «تنگه هرمز باید به‌عنوان آورده ایران در مذاکرات مطرح شود».

این ترس از شکنندگی اهرم تنگه هرمز، در واقع عقب‌نشینی آشکار از یک دستاورد بزرگ است؛ در حالی که این اهرم نه‌تنها شکننده نیست، بلکه باید آن‌قدر تداوم یابد تا بساط سوءاستفاده دشمن برای همیشه برچیده شود.

همچنین ظریف در حالی نگاه به شرق را سرزنش می‌کند که کارنامه نگاه به غرب او و میوه‌های برجام نیز مثل روز روشن است: «ایران نباید سیاست خارجی خود را تنها بر محور شرق تعریف کند. روسیه و چین در این دو جنگ نه همپیمان ایران شدند و نه همکاری معناداری کردند!»

نویسنده مقاله با بی‌توجهی کامل به تجارب تلخ گذشته، گشایش در پرونده‌های موشکی و هسته‌ای را پیشنهاد داده و مدعی است کلید حل اختلافات دستیابی به چارچوبی مانند «لغو تحریم‌های هسته‌ای در ازای تصویب پروتکل الحاقی» است! انگار نه انگار که آمریکا نشان داده به هیچ عهد و پیمانی وفادار نیست و به روی خود نیاورده است که آمریکایی‌ها حتی در جریان مذاکرات نیز دست به حمله نظامی زده‌اند و به همین تفاهم نامه‌ای که ترامپ قمار باز امضاء کرده هم پایبند نبوده‌اند. چطور می‌توان سخن از معامله بر سر اهرم‌های توانمندی کشور زد، آن هم دقیقاً در حالی که آمریکا و متحدانش با استفاده ایران از اهرم‌های قانونی به تنگ آمده و با بحران بی‌سابقه روبه‌رو شده‌اند؟!

وزیر اسبق امور خارجه که چند سال قبل، وقتی آمریکا با تهدید ایران به حمله نظامی از کشورمان باج خواسته و پاسخ منفی دریافت کرده بود، در مصاحبه‌ای گفته بود «غربی‌ها از چهار تا تانک و موشک ما نمی‌ترسند. از این مردم می‌ترسند. آیا شما فکر کرده‌اید که آمریکا که با یک بمبش می‌تواند تمام سیستم‌های نظامی ما را از کار بیندازد، از سیستم نظامی ما می‌ترسد؟»، امروز نیز همان خط فکری را دنبال می‌کند. باید پرسید آقای ظریف! حالا که دشمن از توان نظامی ما به تنگ آمده و بازار انرژی ملتهب شده، چرا باز هم نسخه تسلیم می‌پیچید؟!

اظهاراتی نظیر اینکه «تکیه بیش‌از حد بر برآوردهای نظامی و امنیتی‌کردن همه امور، عاملی در فاصله گرفتن مردم از حکومت... بوده است»، دقیقاً در راستای تکمیل بازی دشمنی است که در میدان نبرد به بن‌بست رسیده و حالا چشم به تخریب باورهای دفاعی کشور دوخته است.

گفت و شنود

برعکسه!

گفت: رسانه‌ها و مقامات آمریکایی و اروپایی در اعلام شکست آمریکا از هم سبقت گرفته‌اند.

گفتم: خبرنگار الجزیره از «جوی هود» دیپلمات ارشد آمریکایی می‌پرسد چرا شکست ترامپ در حمله به ایران را انکار می‌کنید؟! قرار بود نظام ایران را سرنگون کنید ولی اکنون این آمریکاست که در حال سرنگونی است.

گفت: «جف مارکلی» سناتور آمریکایی می‌گوید؛ ترامپ نمی‌تواند تاریخ را تحریف کند. ما در مقابله با ایران به شدت شکست خورده‌ایم.

گفتم: سرهنگ «دنیل دیویس» می‌گوید؛ قرار بود ایران را به زانو درآوریم ولی آن را به ابرقدرت تبدیل کردیم و آمریکا را به زانو درآورده‌ایم.

گفت: فایننشال تایمز می‌نویسد؛ ترامپ قرار بود ایران را تسلیم کند ولی آمریکا را تحقیر کرد.

گفتم: «کریک موری» روزنامه‌نگار معروف اسکاتلندی می‌نویسد؛ آمریکا بعد از شکست هنوز مشغول بازسازی و جبران خسارت‌های مالی و جانی خود است، اما ایران مشغول افزودن بر تعداد موشک‌ها و پهپادهای خود است.

گفت: «آنتونی اسکارا موچی» مدیر سابق ارتباطات کاخ سفید، نوشته است؛ تا حالا که فرماندهان و سیاستمداران ما به جای حمله به ایران، به نیروهای خودمان ضربات کشنده زده‌اند.

گفتم: یارو با هر شلیک آرپی‌جی تعدادی از نیروهای خودشان را به هلاکت می‌رساند! حیوونکی آرپی‌جی را برعکس روی شانه‌اش گذاشته بود!

نکته

تفاهم با عمان یا گشایش تنگه برای آمریکا؟!

۱- دیروز آقای غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت خارجه کشورمان اعلام کرد: «تفاهم با عمان به معنای باز شدن تنگه هرمز نیست. باز شدن تنگه هرمز الزامات خاص خود را دارد». اظهارات ایشان می‌توانست پاسخی به توئیت‌ها و مصاحبه‌های پی‌درپی ترامپ، وزیر خزانه‌داری آمریکا و سایر مقامات بلندپایه آمریکایی باشد که این روزها با ادعای نزدیکی توافق ایران و عمان و گشایش تنگه هرمز، از یک‌سو سعی در کنترل قیمت نفت در بازار جهانی را دارند و از سوی دیگر رئیس‌جمهور پلید آمریکا را از تنگنای خفه‌کننده‌ای که با بسته شدن تنگه هرمز با آن روبه‌رو شده است، نجات بدهد. اما، متاسفانه، جناب غریب‌آبادی در ادامه اظهارات خود، این احتمال امیدآفرین را با تردید روبه‌رو کردند! ایشان در ادامه گفته‌اند: «تفاهم درباره تنگه هرمز باید صرفاً بین ایران و عمان انجام شود»! البته با توجه به وابستگی عمیق عمان به آمریکا، باید این بخش از سخنان برادر عزیزمان جناب غریب‌آبادی را به «تفاهم بین ایران و آمریکا»! ترجمه کنید! ایشان فرموده‌اند «دخالت خارجی در تنگه هرمز را به هیچ‌وجه نخواهیم پذیرفت». و تاکید کرده‌اند که «با اجرای تفاهم جدید، دیگر مسیرهای موقت موجود در تنگه هرمز بسته خواهد شد و بخش قابل توجهی از مسیرهای ورود و خروج کشتی‌ها از آب‌های سرزمینی ایران عبور خواهد کرد». آقای غریب‌آبادی توضیح نداده‌اند که وقتی می‌فرمایند؛ «تفاهم با عمان به معنای باز شدن تنگه هرمز نیست»! مفهوم سخن بعدی ایشان چیست که «بخش قابل توجهی از مسیرهای ورود و خروج کشتی‌ها از آب‌های سرزمینی ایران عبور خواهد کرد»! آیا عبور کشتی‌ها به معنای باز شدن تنگه هرمز نیست؟!

۲- گشایش تنگه هرمز در حالی است که این روزها کمترین تردیدی باقی نمانده است که تنگه هرمز، گلوگاه حیاتی اقتصاد جهان است و بسته شدن این تنگه راه تنفس آمریکا و متحدان غربی و عبری و عربی آنها را مسدود کرده و به خفگی انداخته است. ترامپ، هفته گذشته بار دیگر و برای چندمین بار اعتراف کرد که «ذخایر نفت ما ۴ هفته دیگر تمام می‌شود» و در مصاحبه با اکسیوس با نگرانی مشهود می‌گوید؛ «بسته بودن تنگه هرمز می‌تواند به رکود غیرقابل تحمل جهانی تبدیل شود» و یا وزیر خزانه‌داری آمریکا اعتراف می‌کند که «طولانی کردن جنگ با ایران، توان آمریکا را فرسایش می‌دهد» و صدها نمونه دیگر از این دست که نشانه غیرقابل تردید کارآمدی تنگه هرمز برای ایران عزیز است و... با این حال آیا گشودن تنگه هرمز غیر از نجات دادن دشمن از باتلاقی که در آن گرفتار شده است، می‌تواند مفهوم دیگری داشته باشد؟!

۳- اکنون این پرسش‌ها از مسئولان محترم کشورمان در میان است که آیا تنگه هرمز یکی از اصلی‌ترین و موثرترین اهرم ما در دفاع از آب و خاک این مرز و بوم و مردم همیشه در صحنه و حماسه‌آفرین ایران عزیز نیست؟ اگر پاسخ این سؤال مثبت است -که هست- چرا و با کدام توجیه منطقی قرار است این اهرم را از دست بدهیم؟ پرسش دیگر آن‌که مگر به قول حکیمانه آقای شهیدمان، جنگ ما با آمریکا و متحدانش جنگ وجودی نیست؟ و مگر براندازی و قتل‌عام مردم کشورمان را دنبال نمی‌کنند؟! اگر پاسخ این پرسش هم مثبت باشد که هست و نمی‌تواند نباشد، چرا باید یکی از اصلی‌ترین اهرم‌های اقتدار خود را از دست بدهیم؟! مسئولان محترم کشورمان، بارها و به حق اعلام کرده‌اند که آمریکا و رژیم صهیونیستی و سایر متحدانشان به هیچ عهد و پیمان و هیچ‌یک از قوانین و پروتکل‌های بین‌المللی پایبند نیستند و هیچ فرصتی را برای ضربه زدن به کشورمان از دست نمی‌دهند. با این حال آیا گشودن تنگه هرمز باز کردن معبر و به قول شهید سلیمانی عزیز، کوچه باز کردن برای فرار دشمن نیست؟! البته که هست.

حسین شریعتمداری

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵

ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* امسال، ایرانی‌ها را مردم بزرگ عراق جور دیگر تکریم کردند. علاوه بر حب‌الحسین یجمعنا، حب الخامنه‌ای یجمعنا هم اضافه شده بود. در مسیر کاظمین به کربلا که عمدتا عراقی هستند و ایرانی بسیار کم است تصویر آقای شهید و آقای حاضر و همچنین عکس سردار سلیمانی در مواکب و روی شیشه خودروها جلب توجه می‌کرد.

متوسل‌زاده

* اربعین را باید به تقابل با استکبار آمریکا و رژیم صهیونیستی سوق داد و آن را به انتظار و تلاش برای ظهور حضرت مهدی(عج) تبدیل نمود. این چنین اربعینی محور تمدن اسلامی هم خواهد بود.

عسکرزاده

* جبهه استکبار این روزها بیش از هر زمان دیگری خود را در تنگنا می‌بینند. شواهد متعدد نشان می‌دهد که آنها در برابر بیداری و هوشیاری ملت‌های منطقه، درمانده شده‌اند و هر روز بیش از پیش به انزوای خود افزوده‌اند. تازه‌ترین نشانه این درماندگی، اقدام ناشیانه در بستن حساب کاربری روابط عمومی سپاه در پیام‌رسان تلگرام است. این اقدام آمریکا در واکنش به ارسال اطلاعات دقیق و ارزشمند از سوی مردم غیور اردن و کویت درباره تحرکات و پایگاه‌های رژیم آمریکایی صورت گرفته است.

اعرابی

* این که ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، همزمان از آمادگی برای حمله نظامی به ایران سخن می‌گوید و در عین حال، از امکان دستیابی به توافق با تهران یاد می‌کند، این رویکرد دوگانه او در واقع بازتابی از بن‌بست و ناکامی‌های پی‌درپی آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران است و تصویری از سردرگمی راهبردی واشنگتن در قبال ایران را به نمایش می‌گذارد.

رضائیان

* هرگونه ایجاد شکاف در میدان، خیابان، دیپلماسی عزتمندانه و خدمات‌رسانی دولت اگر آگاهانه باشد خیانت و همراهی با ترامپ و نتانیاهو است و اگر ناآگاهانه باشد جهالت و ساده‌لوحی است که البته نتیجه آن یکی است.

صمدیان

* ان‌بی‌سی نیوز اعلام کرد ترامپ در جلسه‌ای امنیتی از کوره در رفته و از سر خشم بر سر گزینه‌های نظامی ارائه‌شده به او و عدم پیشرفت به سوی توافقی با ایران فریاد زده و ناسزا گفته است. گویا بدجوری آتش به جانشان افتاده و سرگردان شده‌اند. مجبورند یکدیگر را گاز بگیرند.

عطیه

* صدها چهره سیاسی، حقوقی و عمومی اردنی، نامه‌ای سرگشاده امضا کرده‌اند که خواستار خروج نیروهای آمریکایی از اردن شده‌اند. اکثر رسانه‌های اردنی از انتشار این نامه خودداری کرده و هشدار داده‌اند امضاکنندگان ممکن است به زندان محکوم شوند.

گنجعلی

* جریان سکولار و طرفدار غرب تصورش این بود که بعد از رحلت امام خمینی، انقلاب اسلامی تمام می‌شود و حکومت به سمت حکومت سکولار شیب پیدا خواهد کرد. اما امام شهید، مدت ۳۷ سال از میراث فکری و آرمان خمینی کبیر در برابر جریان وادادهٔ غرب‌محور دفاع نمود.

راستینه

* درون جامعه اطلاعاتی آمریکا دیدگاهی در حال شکل‌گیری است که می‌گوید ترور رهبر عالی ایران یک اشتباه راهبردی بوده و سیاست شفاف هسته‌ای ایران را بدل به یک سیاست مبهم کرده است.

پارچینی

* الزیدی نخست‌وزیر عراق به دیدار خوک اپستینی رفت. در مقابل آمریکا بر سر مردم عراق بمب ریخت. این سرنوشت محتوم هر کسی است که مقابل آمریکا از خود ضعف نشان دهد. فقط با زدن می‌شود حیوان درنده را فراری داد.

بادرودی

* اگر جنگ به زیر ساخت‌ها کشیده شود، زیر ساخت‌های رژیم صهیونیستی نباید در امان باشد و اتفاقاً آنچه افسار آمریکایی‌ها را در این جنگ می‌کشد به نظرم آسیب به رژیم پلید صهیونی در کنار کشورهای میزبان پایگاه‌های آمریکا می‌باشد. البته قطعا فرماندهان، تصمیم گیرنده هستند و آنچه تدبیر کنند قطعاً به صواب نزدیک‌تر است.

محروقی

* جان کریاکو، افسر سابق سازمان سیا، با تأکید بر شکست قطعی آمریکا در جنگ با ایران و مقایسه جنگ ایران با جنگ عراق، اظهار داشته بمباران یک کشور آسان است، اما خارج شدن از آن تقریباً غیرممکن و ما این کار را به دستور یک دولت خارجی، اسرائیل، انجام دادیم و نمی‌توانیم از آن خارج شویم.

پاک‌پرور

* خطای فاحشی است که دیپلماتی از دیپلمات‌های ما معتقد باشد بین دموکرات‌ها با جمهوری‌خواهان، درباره درگیری‌های آمریکا با جبهه مقاومت، تفاوت نگاه وجود دارد. باید توجه داشت حمله به ایران، حمله به لبنان و حمایت از اسرائیلی‌ها یک مسئله دوحزبی است و دموکرات‌ها هم درست مثل جمهوری‌خواهان در این کار مشارکت دارند.

سعداوی

* چگونه است که در مورد پیاده کردن قانون حجاب که حکم خداست دولت با این توجیه که مردم مخالفند پای کار نمی‌آید و اجرا نمی‌کند، ولی درمورد افزایش قیمت نان، و گران کردن قیمت آب و برق و بنزین حرفی از خواست و نظر مردم نمی‌زند و یکطرفه عمل می‌کند؟

پاکنهاد

* وزیر خارجه کشورمان با اشاره به گفت‌وگو با همتای اوکراینی خود اعلام کرد کی‌یف تأکید کرده که حمله به کشتی ایرانی غیرعمدی بوده و به‌دنبال تنش نیست. عرض می‌کنم در دنیای امروز که گرگ‌های هار بین‌المللی در اطراف ایران جمع شده‌اند و زوزه می‌کشند با این ادبیات نمی‌توان از حق ملت ایران دفاع کرد.

کوزه‌گران

* مسئله فقط تحریم و دشمن خارجی نیست. بعضی‌ها در داخل، فشار اقتصادی را به مردم تحمیل می‌کنند. بعد برای حل مشکلات، نسخه امتیاز دادن به دشمن را برای کشور می‌پیچند.

گواهی

* گزارشی که وزارت رفاه از وضعیت رفاهی دانشجویان تهیه کرده نشان می‌دهد از میان بیش از نیم میلیون دانشجوی دانشگاه‌های دولتی، تنها ۵،۶ درصد، یعنی حدود ۲۶ هزار نفر، به سه دهک پایین درآمدی تعلق دارند. در نقطه مقابل، نزدیک به ۶۰ درصد از صندلی‌ها در اختیار سه دهک بالای درآمدی، یعنی برخوردارترین اقشار جامعه، قرار دارد. این آمار قابل تأمل و رسیدگی است.

وحدانجو

* درحالی‌که یک فرد برای فعالیت‌های خدماتی و فنی و خوراکی سالم باید مدت‌های زیادی در صف دریافت مجوز باشد، رشد قارچ‌گونه انواع کافه، با صدور سریع مجوز و راه‌اندازی این مکان‌ها در شهرهای بزرگ کشور، جای سؤال و تامل دارد.

مصیبی

* در مراسمی که برای لیندسی گراهام ملعون برگزار شد و فیلم آن پخش گردید، ترامپ حتی توجهی هم به تفاله خاندان پهلوی خائن نشان نداد. بنویسید همراهی با دشمن خارجی، نه احترام می‌آورد و نه جایگاه. عاقبت همراهی با بیگانه بهتر از این نمی‌شود. اما متاسفانه بعضی عبرت نمی‌گیرند.

مشوق

ایران چگونه آمریکا را به امتیازدهی وادار می‌کند؟

یک رسانه انگلیسی در گزارشی روایت خودش را از روش‌های ایران برای وادار کردن آمریکا به امتیازدهی مطرح کرده است.

رویترز در گزارشی به بررسی راهبرد جدید ایران در جنگ با آمریکا پرداخته و معتقد است تهران با افزایش تدریجی هزینه‌های اقتصادی و امنیتی، واشنگتن را به سمت پذیرش خواسته‌های خود سوق می‌دهد. به گزارش تسنیم، برخی محورهای این گزارش به شرح زیر است:

۱.راهبرد ایران؛ افزایش هزینه‌های آمریکا

رویترز می‌نویسد ایران با تشدید کنترل‌شده تنش‌ها می‌خواهد هزینه ادامه رویارویی را آن‌قدر افزایش دهد که واشنگتن ناچار به پذیرش مطالبات تهران، به‌ویژه درباره تنگه هرمز، شود.

۲. هر هفته یک ابزار جدید برای فشار

«مایکل نایتس» پژوهشگر اندیشکده واشنگتن می‌گوید ایران از آغاز جنگ تلاش کرده هر هفته با یک ابزار جدید، فشارها را بر ایالات متحده افزایش دهد؛ گاهی با گشودن یک جغرافیای تازه، گاهی با استفاده از سلاحی جدید و گاهی با انتخاب اهداف متفاوت تا همواره اهرم تازه‌ای برای فشار داشته باشد.

۳. امتیاز قبل از مذاکره

یک مقام ارشد ایرانی به رویترز گفته است تجربه مذاکرات گذشته، رهبران ایران را به این جمع‌بندی رسانده که هرگونه انعطاف پیش از ایجاد اهرم فشار، تنها به افزایش مطالبات آمریکا منجر می‌شود؛ از این رو تهران معتقد است ابتدا باید موازنه قدرت را تغییر داد و سپس وارد مذاکره شد.

۴. ایران می‌خواهد قواعد مذاکره را خودش تعیین کند

«ری تکیه» مشاور پیشین وزارت خارجه آمریکا و پژوهشگر شورای روابط خارجی، می‌گوید هدف تهران این است که شرایطی ایجاد کند که اگر مذاکراتی انجام شود، این ایران باشد که چارچوب و دستورکار آن را تعیین کند، نه واشنگتن.

۵. جمع‌بندی

رویترز نتیجه می‌گیرد راهبرد کنونی ایران بر «فرسایش» استوار است؛ یعنی افزایش تدریجی هزینه‌های امنیتی، اقتصادی و تجاری برای آمریکا و متحدانش تا جایی که ادامه تقابل پرهزینه‌تر از پذیرش بخشی از مطالبات تهران شود. در این نگاه، زمان و استمرار فشار، مهم‌ترین سلاح ایران محسوب می‌شود.